



## نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری- حکمتیست

۱۰ شهریور ۱۴۰۰ - ۱ سپتامبر ۲۰۲۱

# اکتبر ۲۸۴

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به مردم ستمدیده افغانستان

### مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

صفحه ۴

اکتبر می پرسد:

### روی کار آمدن طالبان و مسئله‌ی زنان در افغانستان

صفحه ۵

مصاحبه با پروین کابلی

!

### کارتن‌خوابی انتخاب نیست!

صفحه ۶

ملکه عزتی

### دولت رئیسی، کابینه قاتلین و جنایتکاران

در بر همان پاشنه خواهد چرخید

صفحه ۸

سعید یگانه

بیانیه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

### تحولات سیاسی جدید ایران

تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است

صفحه ۱۰

بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، نظام شورایی مناسب است

یا ساختار پارلمانی؟

ابراهیم باثماني

صفحه ۱۲

### سوسیالیست‌های هوادار "جنبش

کربلا"

درباب بیانیه کمیته خلق‌ها از اقمار پشاک در

مورد ماه محرم!

همایون کدازگر

ناسیونالیسم و مذهب همواره در مقاطع مختلف یارویاور و پشتیبان یکدیگر بوده‌اند. بنابه شرایط سیاسی و اجتماعی گاه یکی اصل و دیگری فرع، اما در هر حال در تمام مقاطع مشغول سواری دادن به یکدیگرند. هر کدام در بورس باشند بالاخره به نرخ روز نشان‌شان را با هم می‌خورند. در همین کردستان عراق که احزاب ناسیونالیست کرد حاکم هستند، دفاع از خرافه مذهب یکی از وسایل سرپانگهداشتن حاکمیت‌شان است. وجود احزاب مذهبی نه تنها تناقضی با حاکمیت حکومت "خودی" و ملی ندارد، بلکه جزو ضروریات بقای حاکمیت احزاب در قدرت است. ارتزاق ناسیونالیسم از ارتجاع مذهب الزاماً ربطی به خلوص نیت و عقیده‌ی محکم آنها به مذهب ندارد. بلکه وسیله‌ای است برای مشروعیت و محکم کردن پایگاه خود در بین عقب‌افتاده‌ترین اقشار جامعه.

تعریف و تمجید برخی از شخصیت‌های ناسیونالیست گرد ایرانی از احمد مفتی‌زاده و تلاش برای تبرئه او از شرکت در جنایات

جمهوری اسلامی، یا تلاوت قرآن در میدیای حزب دمکرات کردستان ایران و همچنین همکاری این احزاب با جریانات مرتجع و مذهبی از قبیل سازمان خبات و غیره، الزاما به معنای عقیده‌ی آن‌چنانی آنها به دین اسلام و غیره نیست، بلکه استفاده از ابزار مذهب برای تحمیق و عقب نگه‌داشتن جامعه و از این طریق ادامه حاکمیت استثمارگرانه و تحمیل سرکوب در جامعه است. کسی نماز خواندن محمدرضا شاه پهلوی در زیارت حج و یا دست‌بوسی آیت‌الله‌های ریزودرشت را توسط اعوان و انصار او نشانه‌ی خلوص نیت به دین "مبین" اسلام ارزیابی نمی‌کرد. ریاکاری و حقه‌بازی طبقات حاکم در احترام به "مذهب توده‌ها" عیان‌تر از آن است که احتیاج به افشاگری داشته باشد. این که ما کمونیست‌ها می‌گوییم مذهب وسیله‌ای است در دست طبقه سرمایه‌دار برای تحمیق جامعه، از همین مشاهدات و واقعیات زمینی نشئت می‌گیرد که روزانه جلوی چشم جامعه اتفاق می‌افتد.

از میان جریانات و احزاب ناسیونالیست کرد در منطقه خاورمیانه، پ.ک.ک و اقمار آن در بخش‌های دیگر کردستان در بکارگیری مذهب در خدمت "کوردایه‌تی" واقعا صاحب درافزوده و بدعت‌گذاری‌های جالب در جنبش ناسیونالیستی‌اند. چاکرمنشی و کرنش در مقابل تصوف و دراویش و شیعه‌گری از همه‌ی انواع آن در انبان‌شان پیدا می‌شود. سال‌های سال

است این خزعبلات ارتجاعی چاشنی و ملات پیشبرد سیاست‌هایشان است.

اما سهم ما در کردستان ایران از طریق شعبه‌ی کردستان شرقی (روژه‌ه‌لات) آن یعنی سازمان پژاک (حزب حیات کردستان) و زیرمجموعه‌های کاغذی و ناموجود آن بسی مشمئزکننده و چنـدش آورتر است. این زیرمجموعه‌های نامریی تاریخ مناسبت‌های مذهبی از قبیل "عید رمضان" و "عید قربان" و اوایلای کربلا و عاشورا را در تقویم سالانه‌شان بزرگ و برجسته نوشته‌اند. توصیه و رهنمودهایشان به مردم که مواظب روزه و نماز خود باشند، به خصوص تشویق مسلمانان به پرداخت خمس و ذکات به ملاحی مرتجع، از جمله دستورالعمل‌های روئین این جریان در تبلیغ و تقدیس عقب‌ماندگی و درواقع کمک به جریانات سیاه مذهبی است.

در راستای همین تبلیغات ارتجاعی، هفته‌ی گذشته به بهانه ماه محرم و "عاشورای حسینی" در "سرزمین اهل سنت" و جایی که حتی برای مسلمانان سنی مذهب آن این خیمه‌شب‌بازی هیچ معنایی ندارد، لباس شیعه‌گری به تن کردند و با صدور بیانیه‌ای به روال هر سال به صف عزاداران کربلا پیوستند.

در بیانیه کمیته‌ی خلق‌ها و باورمندی‌های کوما جفاکین کوردستان (ک.ج.ک) وابسته به سازمان پژاک آمده است:

"مقاومت امام حسین مقاومت آزادیخواهانه‌ایست که با حروف زرین در تاریخ بشریت به رشته تحریر درآمده است. حضرت حسین و هفتادودو رفیق وی، صدای وجدان خلق‌های خاورمیانه، صدای آزادی و عدالت خواهیست. به همین دلیل حسین کربلا، صدها سال است برای تمامی افرادی که خواستار حق و حقیقت هستند به شعار و رفیق مبدل شده است. این مهم دارای معنای بزرگی برای انسان‌های مقاومتر است و امروز ما باید با مد نظر قرارداد آن، این مقاومت را زنده نگه داریم. به این مناسبت ما امیدواریم که عبادات علویان عاشق کربلا که با روح، اندیشه و ایمان مقاومت نموده، لقمه نان خود را تقسیم می‌کنند مقبول درگاه حق باشد. همچنین ما اذعان داریم که عبادات و دعا‌های مسلمانان شیعه که با این حس و درک یاد و خاطره کربلا را زنده نگاه می‌دارند دارای ارزش والایی می‌باشد."

در ادامه می‌آید: "آنچه مقاومت کربلا را مقدس می‌نماید و روحیه آنرا نمایندگی می‌کند اهداف آن می‌باشد. مقاومت کربلا آگاهی، اراده و عزم راسخی را به علویان بخشیده است تا بتوانند به شیوه‌ای بهتر حق و ناحق، درست و نادرست، خوب و بد را از همدیگر متمایز کنند. آنچه حضرت حسین را در میان علویان به خط و هویت تبدیل کرده است این آگاهی و اعتقاد است. هر کدام از علویان که در محرم امسال سخن گفتند خواستار اتحاد و سرزندگی علویان شدند،

فراخوان شرکت در مبارزه دمکراتیک و ایفای نقش در صحیح‌ترین مبارزه علویان که مشابه مقاومت کربلاست به يك خواسته حسینی مبدل شده است. ما همچو [جنبش آزادیخواهی کوردستان] اذعان داریم که جامعه‌ای که مقاومت را مقدس شمرده و برای زنده نگه داشتن عبادت می‌کنند، يك مبارزه است. ما می‌خواهیم یادآور شویم که این مهم علوی بودن را تمثیل می‌کند. روزه ۱۲ امام از سوی علویان و تقسیم نان در روز عاشورا، نشانه ارزش انسانیت می‌باشد که خواستار تداوم آن هستند. آنچه باید مورد تأکید قرار گیرد این است که علویان خط حسینی را ادامه دهند.

اگر کسی این عزانامه‌ی اقمار پ.ك.ك را از خلوص نیت دینی این طیف بداند اشتباه می‌کند. این عوام‌فریبی شیادانه برای به‌دست آوردن دل اقلیت‌های مذهبی با پناه‌بردن به ارتجاع مذهب است. این قانون اساسی دوران حاکمیت این‌ها برای زمانی است که این طیف در جامعه صاحب قدرتی باشند. دستورالعمل "گشت ثارالله" و "نهی از منکر" در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی است. جریانی که به‌عنوان اپوزیسیون چنین دل در راه حسین و خزعلات عاشورا دارد، اگر دستش به گوشه‌ای از قدرت برسد، بساط مشروب‌فروشی و بار و دیسکو و مناسبات جشن و شادی مردم را به بهانه احترام به ماه رمضان و محرم و کربلا و مقاومت حسین، تخته خواهد کرد.

اما زهی خیال باطل، در جامعه کردستان با دست بردن به این حربه‌های پوسیده اتحادی حاصل نخواهد شد. ۴۲ سال زندگی تحت حاکمیت جمهوری اسلامی اتفاقاً روند بی‌اعتباری و تنفر از مذهب را موجب شده است. مذهب و خرافات و ارتجاع نه وسیله اتحاد و همبستگی، بلکه ابزار ازهم‌پاشیدگی جامعه و به‌قهررا بردن مدنیت و حس نوع‌دوستی و عدالت‌خواهی است، وسیله تسلیم شدن به وضع موجود است و در ضدیت با خودآگاهی برای رهایی از جهنم کنونی. امیال و آرزوها، خواست و مطالبات توده‌ی مردم کارگر و زحمت‌کش، عرصه‌ها و میدان‌هایی هستند که جریان‌ات ناسیونالیست از قبیل پ.ك.ك و پژاك و اقمارشان با آن‌ها بیگانه‌اند. فقر، نداری و بیکاری، سرکوب و ایجاد وحشت و ناامنی در جامعه و پایمال شدن حقوق زن، عرصه‌هایی هستند که سال‌هاست مردم مبارز را در کنار هم قرار داده‌اند نه هویت مذهبی و قومی. خروش و اعتراض کنونی مردم به پاخواسته‌ی جامعه‌ی ایران، نه بر سر مذهب و ملیت، بلکه برای تأمین زندگی‌ای درخور انسان امروز، علیه فقر و نداری، بیکاری، گرانی و سرکوب و تحقیر و ناامنی اجتماعی، زمین را زیر پای حاکمان مرتجع رژیم اسلامی داغ کرده است.

دوایر اصلی و فرعی این جریان از پ.ك.ك گرفته تا شعبات متنوع که به این تبلیغات کهنه پرستانه

مشغولند، مدعی هستند که چپ و سوسیالیست‌اند و طرفدار عدالت و آزادی. اما کردارشان در مقابل مردم زحمتکش و مخالفین خود سرکوبگرانه و در مقابل مرتجعین و مذهب همسو و جانبدارانه است. و در این مورد مشخص سوسیالیسمشان هوادار "جنبش کربلا" از آب در می‌آید.

مردم کردستان در همین مناسبت‌ها است که باید صف دوست و غیردوست خود را تشخیص دهند. سازمان پژاك و نهادها و اقمار آن با این تبلیغات ارتجاعی فقط ماهیت خود و بی‌ربطی‌شان به حقوق و مطالبات واقعی مردم کردستان را به نمایش می‌گذارند. این سیاست‌های کهنه‌پرستانه و تفرقه‌افکنانه باید از طرف مردم آزادی‌خواه محکوم و بیش از پیش افشا شود.

همایون گدازگر

۱۰ شهریور ۱۴۰۰

تشکیل شوراهای در محل کار و محلات برای اعمال حاکمیت و اراده جمعی کارگران در محیط کار، و مردم در محلات امری مهم و ضروری در تحولات سیاسی پیش رو در ایران است.

زنده باد تشکیل شوراهای

پیام نشست دفتر سیاسی حزب حکمتیست به مردم ستم‌دیده افغانستان

## مرگ بر طالبان، چه در کابل چه تهران!

ما رویدادهای افغانستان را با حساسیت دنبال کردیم، در نگرانی و مخاطره بازگشت طالبان شریک بودیم، براین باور بودیم که مردم آزادیخواه افغانستان و منطقه و جهان میتوانند و باید در مقابل این روند ارتجاعی و سلطه مجدد طالبان بر افغانستان بایستند. در لحظاتی که در جلسه دفتر سیاسی بودیم اخبار تسلیم شهر به شهر را توسط نیروهای دولتی به طالبان شاهد بودیم و دل ما با شما مردمی بود که در این وضعیت بغرنج گیر افتاده اید. صحنه های دلخراشی که تلویزیونهای جهان از تحویل افغانستان به طالبان پخش می کنند، نفس را در سینه بشریت آزادیخواه حبس کرده است. مشاهده اسارت يك جامعه عموماً و زنان خصوصاً، تجاوز به کودکان و قتل و آدمکشی سبعانه، قلب هر آزادیخواه و انساندوستی را عمیقاً میفشارد.

آنچه اتفاق افتاد، یعنی تحویل دولت اسلامی غنی به "امارت اسلامی" طالبان، يك معامله کثیف دولت آمریکا و ناتو با طالبان با حمایت دولتهای پاکستان، جمهوری اسلامی، چین و روسیه بود. اشرف غنی فرار کرد و بخش مهمی از هیئت حاکمه فاسد افغانستان در این معامله کثیف علیه مردم شریک شد. شما تنها ماندید با صفی از جنایتکاران حامی و شریک طالبان. اما بازگشت طالبان بار دیگر افغانستان را به قتلگاه زنان و يك پایگاه فعال نیروهای تروریستی و جنگ سالار تبدیل می کند. بازگشت طالبان یعنی محو کردن مجدد زنان از جامعه، حمله به هر ذره از حقوق و آزادی فردی و اجتماعی، بستن مدارس و ممنوعیت آموزش و هر جلوه از زندگی تحت پرچم کاذب و دروغین "صلح در افغانستان"! اما این پایان راه نیست، با اراده آگاهانه و سازمانیافته مردم اوضاع میتواند تغییر کند. در ایران مردم آزادیخواه در کار بزرگ کشیدن جمهوری اسلامی اند. در عراق و لبنان علیه سلطه دولتهای توافقی و قومی و مذهبی بمیدان آمده اند. اکثریت مردم افغانستان اکنون در شوک این معامله کثیف اند اما سلطه طالبان را نمی پذیرند.

حزب حکمتیست در ایران همراه با طبقه کارگر و زنان و مردان آزاداندیش در کنار شماست. اگر امروز در ایران يك دولت کارگری سر کار بود، به یاری شما برای درهم کوبیدن طالبان می آمد. به نظر ما تنها سیاست درست در شرایط حاضر، برافراشتن پرچم مقاومت توده ای و مسلحانه علیه دولت مستعجل طالبان است. در این نبرد موثلفین طالبان و دولتهای دمکرات و مستبد و اسلامی کنار شما نخواهند بود اما مردم آزادیخواه جهان از تهران و بیروت و بغداد تا پاریس و برلین و لندن در کنار جنبش مقاومت علیه حکومت طالبان خواهند ایستاد. سلطه طالبان را نپذیرید، علیه اش بپاخیزید!

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲۵ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۶ اوت ۲۰۲۱



## روی کار آمدن طالبان و مسئله‌ی زنان در افغانستان

مصاحبه با پروین کابلی

صورت نگیرد هدف آن‌ها این خواهد بود که با چنگال خونین خود راه نفس کشیدن مردم را بگیرند. هرصدای آزادی خواهی را در گلو خفه کنند. زنان را به برده‌ی جنسی تبدیل نمایند و دستاوردهای کمی را که بخشی از جامعه در این مدت بیست با تلاش برای تحمیل آن مبارزه شده است از دست بدهند. راه دیگر مبارزه و ایستادگی و مقاومت و سازماندهی است. هر اندازه مقاومت بیشتر باشد مردم خسارت کمتری خواهند دید. فقط چند ساعت بعد از ورود طالبان به کابل چند زن در خیابان‌ها علنی به مقابله و اعتراض با آن‌ها پرداختند. اتفاقات روزهای اخیر نشان می‌دهد که اشکال مختلفی از مقاومت و سازماندهی خود حال شکل گرفتن است. به نظر من طالبان نخواهند توانست جامعه‌ی افغانستان را به دوره‌ی قبل برگردانند. پیام فعالین زنان - مثلاً ملالی جو یا - و انسان‌های سکولار و آزادی خواه به خوبی این را نشان می‌دهد. سرنوشت زنان در افغانستان به‌طور واقعی مورد توجه جهانیان قرار گرفته است، اما این کافی نیست. سرنوشت زنان در افغانستان با سرنوشت همه‌ی انسان‌های آزادی خواه و برابری طلب در خاورمیانه گره خورده است. جنبش برابری طلب در ایران وظایف مهمی در این رابطه دارد. ما در ایران با جمهوری اسلامی و بقیه در صفحه ۹

کشور بودیم. فیلم‌ها و صحنه‌های سنگسار زنان در استادیوم‌های ورزشی افغانستان، تحمیل برقه به زنان، ممنوعیت حضور در اماکن عمومی، کار زنان و غیره عقب‌گردی بزرگ را نه تنها به زنان بلکه به جامعه‌ی افغانستان تحمیل نمود. اکنون بازگشت یک‌شبه طالبان به حکومت می‌تواند سرآغاز تحمیل یک عقب‌نشینی باشد. نسلی زنانی که توحش طالبان را دیده‌اند و به‌عنوان شاهدعینی این بربریت هنوز زنده‌اند و می‌دانند که این جانوران چگونه می‌توانند با کشتار و قتل‌وعام سایه‌ی شوم خود را بر جامعه تحمیل کنند. اما تنها زنان نیستند که در این معامله‌ی کثیف دولت‌ها زندگی‌شان پایمال می‌شود بلکه جامعه‌ی افغانستان با یک چلنج جدید روبه‌رو شده است. حضور طالبان می‌تواند عقب‌نشینی بزرگی را به جامعه‌ی افغانستان تحمیل نماید. سنت‌های عقب‌مانده‌ای که هنوز به شدت عمل می‌کنند میدان بازی بیشتر پیدا می‌کنند و اولین قربانیان این وضعیت جدید زنان و دختران و کودکان خواهند بود.

**اکتبر:** آیا فکر می‌کنید که طالبان می‌توانند در این دوره مانند دهه‌ی هشتاد میلادی بربریت را به جامعه‌ی افغانستان تحمیل کند؟

**پروین کابلی:** جواب این سوال هم می‌تواند آری و هم نه باشد. آری به این معنا که اگر مقاومتی در مقابل آنها

**اکتبر:** روی کار آمدن طالبان در افغانستان چه تحولاتی را در رابطه با زنان در بردارد؟ چرا بار دیگر صحبت از سنگسار و محدودیت‌های اجتماعی برای زنان بلافاصله مطرح شد؟

**پروین کابلی:** به قدرت رسیدن نیروهای سیاه اسلامی در خاورمیانه یک تاریخ به قدمت جمهوری اسلامی دارد. اگر چه قبل از روی کار آمدن جمهوری اسلامی هم حقوق انسانی و اجتماعی زنان در خاورمیانه همیشه در قوانین کشورهای مختلف منطقه تحت تاثیر مذهب اسلام بوده است اما از اوائل قرن نوزده میلادی مبارزه برای برابری حقوقی و مدنی زنان بخشی از مبارزات در این کشورهای بوده است. در کشورهایی مثل ایران، مصر، اردن، عراق می‌شد جای پای تاثیرات این مبارزات را در قوانین این کشورها دید. با قدرت‌گیری اسلام سیاسی در منطقه و بویژه ایران موقعیت برابری اجتماعی و حقوقی زنان به‌طور جدی به خطر افتاد و عقب‌نشینی‌های زیادی به آن تحمیل گردید. جمهوری اسلامی اولین کشوری بود که قوانین آپارتاید جنسی را رسمیت بخشید و پرچم بی‌حقوقی زنان را در دستور کار خود قرار داد و به یک سیاست فعال در منطقه تبدیل نمود. در افغانستان هم در دوره‌ی طالبان تقریباً سرنوشت مشابهی به زنان تحمیل گردید و ما شاهد اجرای قوانین صدر اسلام در این



## کارتن خوابی انتخاب نیست!

ملکه عزتی

استخوان نابرابر و غیرانسانی گورخوابی و کارتن خوابی را با چنان سرعتی از برنامه و استایل زندگی شان حذف می کنند که کله پوک و خالی از مغز شمس احسان سوت بکشد.

چند سال پیش فیلمی که در سنندج از پدیده کارتن خوابی تهیه شده بود را دیدم. مردی را نشان می داد که در گورستان قدیمی سنندج (تایله) شب را به روز می رساند. در کنار کارتن خوابی و فقر و فلاکت، اعتیاد هم بخشی از زندگی پر درد و رنج وی بود. در تمام طول فیلم حتی یکبار از اینکه کارتن خوابی انتخاب و یا بقول زهرا شمس احسان استایل زندگی اش باشد و از آن لذت می برد کلمه ای بر زبان نیاورد. آنچه داشت درد دل فقر و نداری و معضلات عدیده زندگیش بود. انتخابی در کار نبود، آنچه که می شد از سبک زندگیش دید نتیجه حاکمیت سیستم و قوانینی بود که سرمایه و تعلق طبقاتی حتی در هنگام ابتلا به اعتیاد حرف اول را میزند.

به قول رسانه های حکومتی و آماری که آنها ارایه می دهند در شهرهای کردستان بیش از ۲۱ هزار کارتن خواب وجود دارند که ۹۰ درصد آنها در کنار کارتن خوابی مبتلای به اعتیاد هم هستند.

این کارتن خواب ها که در گورستان های متروکه شهرها زندگی

زندگی عادی و شایسته انسانی صرف وقت زیادی لازم نیست.

تحقیق و غور و تفحص در باب بازگشت به زندگی "نرمال" سیاست مجیزگویان و بلندگوهای سرمایه از تحصیل کرده و غیرتحصیل کرده آن است. راه حل ها هم با درجه ای از تفاوت کمابیش یکی هستند، پاک کردن صورت مسئله! چرا در این فراوانی اختیار و گزینه ها در جمهوری اعدام و سرکوب پوشش و نوع زندگی اختیاری نیست؟ چرا امنیت و رفاه و یک زندگی شایسته انسانی یک اختیار و یک استایل قابل دسترس برای همگان نیست؟ چرا تامین زندگی انسانهایی که در فجیع ترین شرایط ممکن در کلان شهرهای آن جامعه سکونت دارند انتخاب شما و حکومت شما نیست؟ زهرا شمس احسان کاملاً آگاه به منافع خود و همپالکی هایش است. اگر او مسولیت را از روی دوش شهروندان برداشته و آن را در جای واقعی خود که میز و دفتر دولت و نهادهای حکومتی هستند، بگذارد آن وقت کار بیخ پیدا میکند. سرمایه با احساس ناامنی مواجه می شود و شیرازه نظم آهین آن از هم می پاشد. آنوقت باید دولت و حامیان نظم موجود در برج و باروهای غیرقابل نفوذشان هم در آمان نباشند. ارتش میلیونی محرومین و زخم خورندگان این نظم تا مغز

زهرا شمس احسان عضو شورای شهر تهران در مصاحبه ای با روزنامه اعتماد در رابطه با معضل کارتن خوابی می گوید "کارتن خوابی یک نوع سبک زندگی است" یک اظهار نظر وقیحانه و صد البته کاملاً آگاهانه. زهرا شمس احسان مهره ی مهم و قابل توجهی در سیاست های کلان جمهوری جنایت و سرکوب اسلامی نیست، اما خوب می داند چه بگوید تا مسولیت فقر و نداری و بی خانمانی میلیون ها انسان را به گردن خود آنها بیاندازد و با واژه زیبای انتخاب تزئین کند و از خود و سران حکومت سلب مسولیت کند. خوب می داند چگونه حقایق روشن و واضح دنیای سرمایه و جامعه نابرابر طبقاتی را وارونه جلوه دهد و خون خشک شده بر دست طبقات دارا و استثمارگر را بشوید و از آنها دفاع کند. اگر واقعا حرف از انتخاب و تصمیم فردی برای نوع زندگی کردن است، به این ملیجک شورای شهر تهران قول می دهیم کارتن خواب های مورد اشاره وی در انتخاب بین خوابیدن در سرمای استخوان سوز شبهای تاریک و طولانی زمستان و تحمل گرمای خفه کننده تابستان ها و خوابیدن در آپارتمان های مجهز به وسایل مدرن تنظیم حرارت و تخت خوابی گرم و نرم، انتخابی بسیار ساده و بدون فوت وقت است. برای بازسازی آدم ها و برگشت به یک

می‌کنند، روزها اکثرا در پی پیدا کردن مواد، یا آشغال و کارتن و یا هر وسیله دیگری برای فروش و تامین زندگی خود هستند و شب که می‌شود به قبرستان پناه می‌آورند تا بعد از چند ساعت خواب، روزی دیگر را دوباره از سر بگیرند. تکرار ملال آور روزها و شب‌هایی که مطلقاً به استایل و انتخاب کوچکترین شباهتی ندارند. در پرتاژی که از زندگی سراپا مشقت این انسانهای محروم و قربانی سرمایه تهیه شده یکی از آنها می‌گوید؛ دوست دارم همین امشب من را از اینجا ببرند تا ترك کنم؛ التماس می‌کند که کاری برای من کنید تا از این فلاکت و تحقیر نجات پیدا کنم؛. انتخابی که زهرا شمس احسان از آن حرف می‌زند در مقابل این درخواست آنقدر پوچ، عاری از انسانیت و حقیر است که به سختی میشود حتی به آن فکر کرد. جمهوری اسلامی اگر از امثال شمس احسان و بقیه ملیجک‌های ریز و درشتی که از فرط سرسپردگی از انسانیت تهی شده اند استفاده نکند و در سایه این نوع اظهارات از خود و ارگانهای هزارتویی که به نام حمایت از مستضعفین برپا کرده رفع مسئولیت نکند، چگونه می‌تواند پرونده دزدی و لغت و لیس سران جانی و دزد خود را از چشم جامعه پنهان کند. این جانباختگان حتی زمانی هم که دست به اقدامی می‌زنند کاری جز پنهان کردن این مصایب اجتماعی از دید عموم در جامعه نیست.

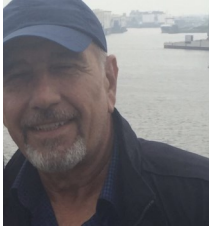
آنچه شمس احسان یا تهیه‌کنندگان این نوع مستندها می‌گویند تازه نیست، تکرار حرفهای مهره‌های درشت‌تر و مهم‌تر حافظان نظم موجود است که با ادعای ژن برتر و "خلایق هرچه لایق" هم به میدان آمدند. در ردیف حرف‌هایی است که قبل‌تر در مورد تنبلی جوانان در ایران و تن‌آسایی آنها و عدم علاقه به کار و ثروتی که در جامعه ریخته شده و فقط باید جمع شود، است. صاحب سنت‌تر از این‌ها هم حرف کارشناسان و توجیه‌گران سیستم و اقتصاد سرمایه‌داری است که آدم‌ها را مسئول سعادت و رفاه و خوشبختی خود می‌داند و اگر خوشبخت و سعادتمند و مرفه نیستند مقصر خودشان هستند. سالانه میلیاردها دلار خرج این نوع تبلیغات و از گزند دور نگه داشته شدن سرمایه و حفظ سود و مالکیت فردی و شخصی می‌شود. دهه هاست مفسرین سرمایه و بازار آزاد برای محفوظ و مصون نگه داشتن نظم موجود بدنبال این هستند که به اکثریت مردم حقنه کنند که کل ثروت انباشته شده در دنیا در دست اقلیتی چند درصدی حاکمی از شایستگی صاحبان ثروت است، نه استثمار و تسمه از گردن کارگران کشیدن. سال‌هاست برای این تبلیغات سازمان یافته پول و هزینه صرف می‌شود تا تحمیق کنند، تا دروغ جایگزین واقعیت شود و هر تک فردی مسول سعادت خودش قلمداد شود. برای جا انداختن این دروغ‌های بزرگ و بی‌شرمانه از طرح

پاکسازی شهرها و جمع‌آوری متکدیان! بخوانید قربانیان نظم سرمایه، تا پنهان کردن فجایع ناشی از نظم سرمایه و هر آنچه که دولت را از زیر بار مسئولیت بیرون نگه دارد در برنامه‌های شهرداری‌های کلان شهرها به وفور دیده می‌شود. آنهم نه به هیچ دلیل دیگری نه به این خاطر که از نظر ماموران شهرداری این انسان‌های محروم باید از زندگی شایسته انسانی برخوردار باشند، نه! در این سیستم سراپا نابرابر دادن مدال خدمات انسانی به مسئولین این طرح‌ها نباید دورازانتظار باشد. آنجا که انسان‌ها برای تامین زندگی بخورونمیر به دستفروشی روی می‌آورند با حمله و سرکوب ماموران شهرداری روبرو می‌شوند و آنجا که دست به گدایی می‌زنند باید از فضای عمومی در سطح شهر پاکسازی شوند. اخذ تعهد عدم تکدی‌گری!! هم سیاست تازه‌ای است که ظاهراً از منظر مسئولین شهرداری خوب جواب داده! انسان‌هایی که از هیچ منبعی تامین نمی‌شوند، بیمه ندارند، کار ندارند، سرپناهی برای سکونت ندارند، غذا ندارند، لباس مناسب و گرم ندارند و صد البته بنا به گفته کارشناسان زهرا شمس احسان صرف‌نظر کردن از يك زندگی انسانی هم انتخاب خودشان است.

راه حل ساده رفع این معضل از طرف سران شهرداری شهری چون سنندج ارایه شده و همه چیز به لطف يك تعهد عدم تکدی‌گری به خوبی و خوشی پایان می‌پذیرد البته بعد از ضرب و شتم،

بقیه در صفحه ۱۴

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده‌ای را همه جا بر پا کنید!



## دولت رئیسی، کابینه قاتلین و جنایتکاران

در بر همان پاشنه خواهد چرخید

سعید یگانه

اسلامی متعارف و مورد قبول تبدیل بکند و علاوه بر این میان مردم و جمهوری اسلامی دره‌ای عمیق از ناباوری و نفرت بوجود آمده است که با هیچ ترفند و سیاستی قابل جبران نیست و به یک تضاد آنتاگونیستی تبدیل شده است.

تمام واقعیات جامعه به ما نشان می‌دهد که اکثریت مردم، جمهوری اسلامی را نمی‌خواهند و رفتن و سرنگونی آن آرزوی قلبی آنان است و برای آن تلاش کرده و هزینه داده‌اند. این نخواستن در واقع ریشه در واقعیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه ایران دارد. رژیم اسلامی از آغاز تا کنون با امیال و آرزوهای اکثریت مردم کارگر و زحمتکش، زنان و انسان‌های تشنه‌ی آزادی و رفاه در تناقض عمیق بوده و به همین دلیل امروز جمهوری اسلامی بیشتر از همیشه مورد نفرت عمومی است.

اعتراضات و اعتصابات کارگری، خیزش‌های توده‌ای چند سال گذشته که همه آنان با بیشترین خشونت، زندان، شکنجه و کشتار روبرو شدند، عمق نفرت و نخواستن جمهوری از اسلامی را تمام‌ن هویدا به نمایش گذاشتند. مردم با اعتراض و اعتصاب و نارضایتی خود قدم به قدم از جناح‌های مختلف جمهوری اسلامی که جملگی

اخیرا مجلس اسلامی با فوریت و بدون مخالفت، کابینه‌ی معرفی‌شده رئیسی این سردسته‌ی جنایتکاران و قاتلین هزاران زندانی سیاسی را تصویب کرد. رئیسی و کابینه‌اش با چهره‌های جنایتکار، بیش از این که نقطه قدرت جمهوری اسلامی باشد، نقطه ضعف است. از بالا تا پائین، از رئیسی تا اژه‌ای و سایرین مورد نفرت عمیق مردم کارگر و ستم‌دیده‌اند که نه تنها از این دولت، که از دولت‌های تاکنونی به جز رنج و مشقت، اختناق و سرکوب خیری ندیده و نخواهند دید. دولت جدید در دل بحران‌های عمیق اقتصادی، سیاسی و اجتماعی پا به عرصه وجود گذاشته است که دوازده دولت قبلی در جمهوری اسلامی نه تنها نتوانسته‌اند این بحرانها را کاهش دهند، برعکس هرچه زمان گذشته است بر عمق این بحرانها افزوده شده و هر سیاستی برای حل آنان با بن‌بست روبرو شده است. تجسم دولتی که بدون تردید در مواجهه با این بحران‌ها و نابسامانی‌ها با تناقضات عمیق‌تری در درون خود روبرو خواهد شد و چندان دور از انتظار نیست که خود به عاملی در تشدید این بحران‌ها تبدیل شود. واقعیت این بحران‌ها و تناقضات ریشه‌ای‌تر از آن است که با جابجایی دولت، آن‌هم با این شکل و شمایل بتواند روند تحولات را به نفع یک جمهوری

یک دست شدن قدرت در قوای سه‌گانه در جمهوری اسلامی و قبضه‌ی قدرت در دست کابینه قاتلین و جنایتکاران حرفه‌ای بیش از آن که هدف، حل مشکلات انباشت‌شده‌ی مردم باشد، که نیست، اساسا آخرین میدان نبرد نهایی رژیم اسلامی و هسته‌ی اصلی قدرت در ایران برای مقابله با بحران‌های فزاینده و دراصل بحران مشروعیت جمهوری اسلامی است. مشروعیتی که وسیعا از جانب مردم ناراضی، گرسنه و اکثریت کارگر و زحمتکش جامعه زیر سوال رفته و به وسعت جغرافیای ایران به مضاف تبلییده شده است. این دولت جدید با ادعای بهبود اوضاع معیشتی، مبارزه با بحران کرونا و حل بحران‌های گوناگون گریبان‌گیر رژیم اسلامی وارد شده است و در این راه "یقین دارند که امدادهای غیبی نیز به مدد آنان خواهد آمد". اما همین سپردن و تقسیم قدرت میان چهره‌های جنایتکار رژیم، افرادی تماما وابسته به هسته اصلی قدرت و بیت‌رهبری، بیش از آن که تضمینی برای حفظ نظام سرمایه‌داری اسلامی و تداوم این عمر رژیم فاسد باشد، بیشتر ناکامی تاکنونی رژیم اسلامی را در حل بحران‌های عمیق اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اکنون بحران فلج‌کننده کرونا را جلوی دید همگان قرار می‌دهد.

شوراهای محلات ایجاد باید گردد!



برای حفظ نظم موجود از هیچ جنایتی علیه مردم کوتاهی نکردند، عبور کردند. و امروز کابینه رئیسی - این يك كاسه کردن قدرت - حاصل همین کشمکش‌های سیاسی، طبقاتی است و دقیقاً خود را برای مقابله با مردمی حاضر می‌کند که برای پایان دادن به عمر رژیم ننگینشان به میدان آمده‌اند. جمهوری اسلامی باید برود و باید سرنگونش کرد و این امروز صورت مسئله اصلی جامعه است. تلاش جمهوری اسلامی در حل بحران‌ها و تناقضات عمیق در جامعه به نفع خود تا کنون ناکام مانده است و خروجی سیاست‌های دولت رئیسی نیز به دلیل وجود این تناقضات دیر یا زود نیز با همین سرنوشت روبرو خواهد شد. ترس از رژیم ریخته است و ادامه سرکوب و اختناق و جنایت، دولت قاتلین و جنایتکاران جمهوری اسلامی را از این بن بست نجات نخواهد داد.

بقای جمهوری اسلامی برای اکثریت مردم به معنای فقر و فلاکت و تباهی بیشتر است. بحران کرونا نیز زندگی مردم را فلج کرده و جمهوری اسلامی خود به عاملی برای تشدید این بحران و تلفات انسانی ناشی از آن تبدیل شد. راه حل رفع این بحران‌ها و بن‌بستی که امروز جامعه ایران با آن مواجه است يك راه حل سوسیالیستی، و پیش از همه سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، برای پایان دادن به فقر و تبعیض و نابرابری و کوتاه کردن

دست سرمایه‌داران، مفتخوران از سر مردم است. این حقیقت بعد از ۴۲ سال از عمر رژیم نکبت اسلامی به وضوح برای همه روشن شده و به تجربه ثابت شده است که انتخاب دیگری جز این در مقابل ما قرار ندارد. ۴۲ سال است که جریان ما و جنبش ما، جنبش کمونیسم کارگری گفته‌ایم که جمهوری اسلامی وصله ناجوری بود که به جامعه ما تحمیل شد و گفتیم که رژیم اسلامی با سیاست‌اش، اقتصادش، فرهنگش، مذهبش در تقابل با امیال و آرزوهای اکثریت جامعه در تناقض است و به همین دلیل به درازای عمر جمهوری اسلامی کشمکش سیاسی، طبقاتی و مبارزاتی بر سر پایان دادن به این وضعیت در جریان بوده و هست و در سه سال گذشته با سرعت و توان بیشتری ادامه داشته است. حزب حکمتیست همه کارگران و مردم ستمدیده جامعه ایران را برای پایان دادن به جهنمی که جمهوری اسلامی و همه حامیان آن برای مردم فراهم کرده‌اند به مبارزه و اعتراض و اعتصاب و اتحاد فرامی‌خواند. جامعه ایران تشنه‌ی تغییر است ساختن جامعه‌ای آزاد و برابر و خوشبخت به دست توانای طبقه کارگر و همه ستمدیدگان ممکن و میسر است. دریچه بزرگی به روی طبقه کارگر و جنبش آزادیخواهی و عدالت‌طلبی در ایران باز شده است و باید تلاش کرد که این فرصت تاریخی را

به عمل انقلابی برای گذر از این موقعیت تبدیل کرد.

سعید یگانه

شهریور ۱۴۰۰

#### اکتبر می‌رسد...

قوانین آپارتایدجنسی در طول چهارده مبارزه کرده‌ایم. رویارویی زنان خاورمیانه در مقابله با اسلام سیاسی و قوانین اسلامی، همسرنوشتی‌شان را رقم‌زده و اکنون در این راه هم‌دلی و يك مبارزه‌ی مشترك، بیش از هر زمانی اهمیت یافته است. نباید اجازه داد که طالبان سلطه‌ی خود را بر زندگی مردم تثبیت کند و این راه مبارزه مشترکی را خواهان است. مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب و زنان افغانستان به‌طور قطع، در این مبارزه ما را در کنار خود خواهند داشت.

بیانیه دفتر سیاسی حزب حکمتیست

## تحولات سیاسی جدید ایران

**تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی سوال روز جامعه است**

حکومت اسلامی سرمایه در مقابل جامعه ای میگذارد که یک حاکمیت اسلامی و استثمارگر را بیش از این تحمل نمیکند و علیه آن بپاخاسته است. هر زمان پایان حکومت اسلامی مسجل شود، همین دولتها و سیاستمداران ریاکار پشت بورژوازی در حاشیه حکومت و اپوزیسیون میروند. اپوزیسیون بورژوائی ایران منتظر این لحظه موعود است.

اعتصابات کارگری - اعتراضات توده‌ای، دو رکن نبرد سرنوشت ساز ۴-اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای دو قلمروی سرنوشت ساز مبارزه انقلابی علیه جمهوری اسلامی است. همزمانی اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای، ادامه دینامیزم

خیزش آبان در کیفیت جدیدی است. برخلاف سال ۵۷ امروز با یک جامعه خودآگاه روبروئیم که جنبشی حرکت میکند و نیاز اتحاد را می شناسد. آنچه امروز در جریان است، آغاز دور جدیدی از حضور فعال جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی است. این روند بدون تردید افت و خیز خواهد داشت و میتواند اشکال مختلفی بخود بپذیرد. جامعه ایران نظر به مشخصات سیاسی و صنفی طبقات و کشمکشهای جاری، آستن یک تحول ریشه‌ای و زیر و رو کننده، یک انقلاب اجتماعی است. جنبش سرنگونی رژیم اسلامی در سیر خود حول افق و راه حل چپ یا افق و راه حل راست پلاریزه میشود. جدال برسر اینکه چه نظامی باید برجای رژیم اسلامی بنشیند از هم اکنون در بطن مبارزه علیه این

لذا رئیسی برای اجرای یک پلاتفرم اقتصادی متمایز نیامده است، دوره این حرفها گذشته است، رئیسی چکیده ورشکستگی خامنه‌ای و ناتوانی نظام اسلامی در مقابل یک جامعه خشمگین و آماده نبرد است. اما سیاست سرکوب و ارباب، توپ، تانک، مسلسل، دیگر اثر ندارد. رئیسی قبل از اینکه بیان قدرت جمهوری اسلامی باشد، نشان ضعف و بن بست لاعلاج رژیم اسلامی است.

۳- سیاست دولتهای آمریکا و اروپا در قبال رژیم اسلامی، تامین کننده منافع آنی و آتی این دولتهاست. حمایت از اسلام سیاسی در ایران، تلاش برای مذاکره و توافق با جمهوری اسلامی، حضور نمایندگان اتحادیه اروپا در مراسم تحلیف رئیسی جلاد، بدلیل "عدم اطلاع" از کارکرد جنایتکارانه رژیم و شخص رئیسی از جانب دول غربی نیست. منافع و ترجیح سیاست خارجی آنها در منطقه ایجاب میکند که اولاً، جمهوری اسلامی را حتی الامکان رام کنند و سرپا نگهدارند. ثانیاً، از پتانسیل قوی کمونیسم و برابری طلبی در جامعه ایران وحشت دارند. علیرغم اختلافات درون طبقاتی با جمهوری اسلامی، منفعت استراتژیک و طبقاتی دولتهای غربی، آنها را کنار تداوم سلطه

۱- جامعه ایران در منگنه بحرانهای فزاینده و لاینحل در اعتراض و اعتصاب است. از کوبیدن رژیم در انتخابات تا امواج اعتصابات کارگری و اعتراضات توده‌ای، صرفاً نوك كوه یخ پتانسیل قدرتمند اعتراضی در جامعه علیه وضع موجود است. بحران رژیم اسلامی از بنیادی ترین خصوصیات جامعه و اوضاع سیاسی ایران ناشی میشود. امروز این حرف قدیمی ما که رفع این بحران نه فقط در چهارچوب جمهوری اسلامی ممکن نیست بلکه با تعمیق ناگزیر آن زمینه ساز سرنگونی خویش را فراهم می آورد، به آگاهی عمومی بدل شده است. سرنگونی خواهی به بستر اصلی سیاست ایران تبدیل شده و مسئله قدرت سیاسی را بعنوان کلیدی ترین سوال روز بجلو رانده است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، کسب قدرت سیاسی و برقراری یک حکومت کارگری، یک جمهوری سوسیالیستی، مبارزه می کند.

۲- یک مشخصه مهم وضعیت کنونی تشدید کشمکش طبقاتی و قطبی شدن سیاست است. در بالا، نیاز بورژوازی حاکم به فشرده شدن و تغییر آرایش سیاسی جهت مواجهه با نخواستن جامعه و مبارزات رو به رشد کارگری است.

حکومت آغاز شده است و در پی سرنگونی رژیم اسلامی تا تثبیت حکومت بعدی ادامه خواهد یافت. در این جدال هم اپوزیسیون راست پروغربی و هم جنبش کمونیستی کارگری شانس عینی پیروزی دارند.

۵- اپوزیسیون راست پروغرب، با شکست تاکنونی پروژه های آلترناتیو سازی و "رژیم چینج" و دوره ای سردرگمی، در کنار جمهوریخواهان و ناسیونالیست اسلامی ها، خود را با اوضاع جدید هماهنگ کرده اند. این نیروها، در هر ترکیبی و تحت هر پرچمی، نمایندگان بورژوازی ایران و اعاده نظم قدیم در دوره سرنگونی هستند. نیروی اینها را نباید دست کم گرفت، طرحهای ارتجاعی آنها را باید به شکست کشاند و منزوی کرد.

۶- جنبش کمونیستی کارگری تنها جنبشی است که با آمال و آرزوهای توده های میلیونی کارگران و مردم خواهان برابری و رفع تبعیض خوانائی دارد و به رادیکالیسم اجتماعی، به حضور گسترده طبقه کارگر، به برابری طلبی و آزادیخواهی، به سکولاریسم و ضد اسلامی بودن جامعه متکی است. حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تلاش میکند که جنبش کنونی برای سرنگونی انقلابی رژیم اسلامی، حلقه ای در یک انقلاب عظیم اجتماعی برای برقراری یک نظام سوسیالیستی در ایران باشد.

خط مشی تاکتیکی ما در دوره حاضر ۷- در این دوره حزب حکمتیست همگام با رهبران کارگری رادیکال و سوسیالیست و پیشروان اعتراضات توده

ای، در نقشه ای هماهنگ و هدفمند برای گسترش اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در سراسر ایران همه توان خود را بکار میگیرد. برای متحد و همگام کردن مبارزات کارگری و توده ای با اتکاء به شبکه مبارزاتی به هم مرتبط فعالین جنبش

کارگری و جنبش توده ای، همه ظرفیتهای سیاسی و تشکیلاتی خود را بکار میگیرد. اعتصابات کارگری و اعتراضات توده ای در پیکره ای واحد و هماهنگ، میتوانند قدم به قدم تناسب قوا را به نفع خود تغییر دهند و حول پلاتفرم و معنای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و از جمله خواستها و شعارهای "آزادی، برای، رفاه همگانی" و "معیشت، سلامت، واکسیناسیون" بیدان بیاید.

۸- یک اولویت فوری حزب ما و فعالین کمونیست در این دوره اقدام به برپائی مجامع عمومی منظم و برپائی شوراها در مراکز کار و در محلات است. مراکز کار به عنوان مکان شکلگیری اعتصابات و محلات شهرها به مثابه مکان شکل گرفتن اعتراضات شهری، بسترهای بسیار مساعدی برای ایجاد و گسترش جنبش مجامع عمومی و شورایی هستند. حزب حکمتیست فعالین کارگری و کمونیست را در مراکز کار و محلات به ایجاد و گسترش مجامع عمومی و سازمانیابی شورایی فرامیخواند.

۹- شوراها امروز ابزار تشکل و اتحاد و بسیج کارگران و توده مردم و از ارگانهای قیام در جدال برای سرنگونی هستند. تلاش ما اینست که

دولت برآمده از قیام دولتی انقلابی باشد که نیروی طبقه کارگر را برای تداوم انقلاب و حرکت بیوقفه برای خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی و پیشروی بسوی ایجاد سازمان سوسیالیستی نوین جامعه رهنمون شود.

۱۰- حزب کمونیست کارگری حکمتیست کارگران کمونیست و رهبران عملی کارگران را به ایجاد سنگرهای کمونیستی، به متحزب شدن در مبارزه جاری برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری یک جامعه آزاد، خوشبخت و مرفه سوسیالیستی فرامیخواند. حزب حکمتیست ظرف اعتراض رادیکال کارگری و مبارزه انقلابی است. کارگران، کمونیست ها، زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب، جوانان انقلابی! این حزب شماست، به حزب

تان بپیوندید!

مصوب دفتر سیاسی باتفاق آرا

۲۳ مرداد ۱۴۰۰ - ۱۴ اوت ۲۰۲۱



## بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی، نظام شورایی مناسب است یا ساختار پارلمانی؟

ابراهیم باتمانی

اسلامی با زور و قلندری قوانین اسلام ضد بشری را به مردم جامعه تحمیل کرده‌اند. حکومت جمهوری اسلامی از روز اول به حکومت رسیدن خود از هر لحاظ وصله ناجوری در زندگي مردم ایران بوده و هست. با نگاهی به پراتیک و تاریخ حاکمیت چهل و دو ساله حکومت فاشیستی اسلامی متوجه میشویم که حکومت اسلامی ایران بجز ویرانی، کشت و کشتار و دزدی کار مثبتی انجام نداده است. در زمان حکومت پهلوی نیز در تهران و اکثر شهرها مردمانی که خانه نداشتند، خانه های خود را دور از شهرها با حلبی درست کرده بودند و آنجا حلبی آباد نامیده میشد. در اینجا لازم میدانم به نسلهایی که بعد از حکومت اسلامی ایران در این چهار دهه متولد شده اند و شاهد دوران حکومت استبدادی شاه نبوده اند، یادآوری نمایم و البته بر خلاف سخنگویان سلطنت طلبان و ناسیونالیستهای ایرانی که دوران حکومت شاه را دوران گل و بلبل مینامیدند.

در دوران پهلوی شاه مخالفین سیاسی خود را بشدت سرکوب، شکنجه، زندانی و اعدام مینمود. در بعضی از نقاط ایران املاک مرغوب و حاصلخیز به خانواده شاه و شخص شاه و اطرافیانش تعلق داشت. تمامی جنگلهای ایران در انحصاربرادر شاه

نظام مجلسی یا نظام پارلمانی يك نوع حکومت بزرگ کرده سیستم سرمایه‌داری برای حفظ بقای حاکمیت سرمایه است. برای نمونه به حاکمیت ننگین چهل و دو ساله‌ی حکومت جمهوری اسلامی توجه کنید. یکی از شیوه‌های فریب حکومت جمهوری اسلامی این بوده است که هر چهار سال يك بار مضحکه انتخابات مجلس و رئیس جمهوری را برپا کرده و میلیون‌ها دلار خرج کاندیداتورهایی مورد نظر خودشان که از پیش تعیین شده‌اند، می‌نمایند. سرمایه‌داری برای فریب و کشاندن مردم به پای صندوق‌های رای پول‌های زیادی هزینه می‌کند. سخنگویان بورژوازی و سران حکومت اسلامی ایران با آب و تاب از طریق مدیاهایی که در اختیار دارند همواره چنین قلمداد می‌کنند که دولت يك نهاد ضروری است، و برای اداره و امنیت جامعه چنین نهادی به اصطلاح انتخاب شود. يك ریاکاری، يك دروغ بزرگ که به مردم همواره گفته می‌شود.

این شعبده‌بازی انتخابات در حالی اجرا می‌شود که خود حکومت اسلامی، بانی فقر و فلاکت، کشت و کشتار، گرسنگی، بیکاری، سرکوب، زندان، بی‌حقوقی مطلق زنان و رنج و فلاکت در آن جامعه است. ارگان‌های امنیتی و نیروهای سرکوبگر حکومت

سوال این است که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی نظام شورایی انتخاب می‌شود یا پارلمانی؟ جایگاه و اهمیت این بحث بایستی بر روی ميز تك تك آحاد جامعه ایران قرار بگیرد، تا مردم بتوانند خود را آماده و با دید باز سیاسی و موضع طبقاتی، نظام و ساختار حکومت مورد نظر خود را انتخاب کنند. من به عنوان يك کمونیست طرفدار ساختار و سیستم شورایی هستم. ما با اندکی تعمق می‌توانیم، متوجه شویم که این جهان سرمایه‌داری، جهانی وارونه، به شدت طبقاتی و غیرانسانی است. در این نظام سرمایه‌داری نود درصد مردم به خصوص طبقه کارگر و محرومان در ساختن زندگی خود و آینده‌ی فرزندان‌شان هیچ نقش و دخالتی ندارند. نظام سرمایه‌داری موجود کوچکترین ارزشی برای مطالبات مردم قائل نمی‌شود زیرا هر نارضایتی و اعتراض بر حق مردم به شدت سرکوب می‌گردد بنابراین جامعه نمی‌تواند دخالتی در سیاست‌ها و تصمیمات دولت داشته باشد. تاریخ و عملکرد سیستم سرمایه‌داری در طول صدسال گذشته تا به امروز این را به ما نشان داده که این سیستم استثمارگر، جنگ طلب و عامل فقر و فلاکت و خونریزی است.

غلامرضا خان بود. شاه ایران کنترل قوه قضایه، قوه مقننه، مجریه، مجلس شاه فرمانده کل قوا بود. نیروی دریایی، نیروی هوایی و زمینی را بدست گرفته بود و تنها او بود که حرف اول و آخر را میزد دقیقاً مانند خامنه ای قاتل. نیروی امنیتی شاه که همان ساواک بود مانند نیروهای امنیتی سپاه پاسداران عمل میکردند و هیچکس حق مخالفت با شاه و خانواده اش را نداشت در غیر این صورت با ساواک طرف بود. زیر عکسهای شاه نوشته شده بود که شاه سایه خداست دقیقاً مانند خمینی دجال که میگفتند خمینی روح خداست که در ماه دیده شده است.

بورژوازی غرب، امریکا و در راس همه آنها کشور فرانسه از ترس اینکه مبادا کمونیستها در ایران قدرت را بدست بگیرند، انقلاب بر حق مردم ستم دیده ایران را با برنامه ریزی تحویل خمینی جلاد دادند. حکومت اسلامی ایران چهل و دو سال است که در حق مردم به عناوین مختلف جنایت نموده و هنوز هم ادامه دارد. سیستم شاه عین سیستم خامنه ای بود اما با تفاوت های ریز برای نمونه پوشش زنان و مردان آزاد بود. مشروب نوشیدن آزاد بود اما با افراد سیاسی، احزاب سیاسی و مخالفین شاه به شدت برخورد میشد. در دوره حکومت شاه حتی يك انتخابات فرمالیته وجود نداشت. مقوله ای به اسم احزاب سیاسی که علنی بتواند فعالیت کند وجود نداشت. همه از ترس زندان و شکنجه فعالیت زیر زمینی در پیش گرفته بودند.

پس به این نتیجه میرسیم که مردم ایران با ساختار حکومت شاهنشاهی آشنایی کامل داشتند و تمامی نابرابری ها و ناعدالتی ها را به چشم خود دیده بودند، همچنین مردم شاهد حاکمیت چهل و دو ساله جمهوری اسلامی بوده و هستند. آنها شاهد عملکرد و جنایات حکومت اسلامی که ساختار رئیس جمهوری و پارلمانی دارد، میباشند و دقیقاً میدانند که این حکومت اسلامی پارلمانی بجز سرکوب و دروغ و جنگ هیچ دستاوردی برای آنها نداشته است.

من سختم با تمامی آزاخواهان میباشد، باید تعمق نمود، این نوع ساختار و حکومت چه در نظام سابق شاهنشاهی و چه در حکومت فعلی اسلامی هردو امتحان خود را پس داده اند. مادیر نیازی به ساختار پارلمانی و رئیس جمهوری و تک رهبری نداریم و بایستی خط بطلان به این ساختارها که ضد بشری هستند بکشیم.

من تلاش میکنم راه درست و پیشنهاد عملی، اساسی و ضروری را به شما نشان بدهم که برای همیشه از دست این کلاهبردارهای نظام سرمایه داری و ساختارش نجات پیدا کنیم و در طول تاریخ ایران برای اولین بار خودمان سرنوشت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جامعه خودمان را انتخاب نماییم. این ساختار مورد نظر من شامل سازمان سیستم شورایی و حاکمیت شورایی نامیده میشود که منتخب آگاهانه و دخالت مستقیم خود مردم میباشند. در نتیجه اعمال حاکمیت در سطوح

مختلف بایستی توسط شوراهای خود مردم انجام بشود. شوراها به مثابه قانون گذار و مجری قانون عمل میکنند.

عالیترین ارگان حاکمیتی کشور کنکره سراسری نمایندگان شورای مردم خواهد بود. هر فرد چه زن یا مرد از شانزده سال به بالا میتواند رای بدهد و خود را برای کلیه پست های مورد نظر کاندید نماید. در این مقطع حساس و پر تحول در ایران، بایستی فعالین جنبش کمونیزم کارگری، کمونیستها، فعالین حزب کمونیست کارگری ایران (حکمتیست) رهبران، نهاد های اجتماعی، معلمان، دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب، رهبران و فعالین کارگری، انسانهای آزادیخواه و شرافتمند و در راس همه آنها زنان مبارز در جا انداختن شکل سیستم شورایی در مراکز مختلف کارگری نقش خود را ایفا نمایند.

فراخوان من به مردم ایران به خصوص رهبران در ان جامعه اینست که ما بایستی با تلاش آگاهانه و با صدای رسا اعلام کنیم که خود سرنوشت خود و آینده فرزندانمان را تعیین میکنم. باید اعلام کنیم که اداره شهرها، روستاها، کارخانجات، بیمارستانها، آموزش و پرورش، حمل و نقل، امنیت، مهد کودکها، مدارس، امنیت شغلی و اسایش مردم در سراسر ایران به عهده شوراها و نمایندگان منتخب مردم است. باید اعلام کنیم هر حزب سیاسی و نیروی نظامی که بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی در ایران فعالیت میکند باید از قانون شورایی ان محل

تبعیت نماید. باید حکومت شورایی  
منتخب مردم، نیروی مسلح و آموزش  
دیده نظامی برای امنیت شهروندانش  
تشکیل دهد.  
شوراهای منتخب مردم با آگاهی  
سیاسی و موضع طبقاتی روشن،  
بالاترین قدرت اجرایی قانون در  
ایران محسوب میشوند. بعد از

سرنگونی جمهوری اسلامی ایران  
حکومت شورایی بهترین و کارآمد  
ترین نوع حکومت است که تمامی  
مردم دخالت مستقیم در سرنوشت خود  
و فرزندان شان دارند. بهترین آلترناتیو  
برای اداره کردن جامعه بعد از  
جمهوری اسلامی حکومت شورایی  
است.

زنده باد سوسیالیسم  
ابراهیم باتمانی ۲۲.۰۸.۲۰۲۱

### کارتن خوابی انتخاب...

تحقیق و افت و خیزهایی خواهد داشت در این حرفی نیست. اما تلاش  
برای ایجاد يك تحول ریشه‌ای عمیق و رادیکال در جامعه  
بدون تردید از ارکان اصلی و پایه ای این تحركات است.  
تحول اجتماعی که کارتن خوابی انتخاب و گزینه نباشد،  
فقرو بیکاری با تعهد عدم تکدی گری جواب داده نشود و  
انسانها بهره‌مند از يك زندگی شایسته انسان قرن ۲۱ باشند.  
این تحول و دگرگونی عمیقا رادیکال ابتدا به ساکن و  
بلاواسطه در سایه سرنگونی انقلابی این حکومت سراپا  
جنایت و يك انقلاب اجتماعی متکی بر يك برنامه چپ و  
کمونیستی - کارگری ممکن است.  
ملکه عزتی

بی‌حرمتی‌های اولیه به مصایب ناشی از نکبت سرمایه‌داری  
پایان داده می‌شود. ناگهان و در چشم برهم‌زدنی فقر از  
خیابان‌ها جمع‌آوری شده و شهرمزیں به گل و بلبل،  
آماده گشت و گذار بقیه شهروندانی است که درست و  
دقیق انتخاب کرده‌اند و خاطرشان با دیدن چهره‌ی خشن  
تکدی در شهر مکدر نخواهد شد! این راه‌ها را ابداع  
شهرداری سنندج است نه ابتکار تئوریک زهرا شمس‌احسان  
از شورای شهر تهران. سال‌هاست خیابان‌های ریودوژانیرو  
در برزیل چهره‌ی خشن فقر با کشتار کارتن خواب‌ها و  
تجاوز به کودکان کار و خیابان خود را به نمایش گذاشته.  
فقر همه جای دنیا يك چهره دارد، همچنان که سرمایه هم  
با يك سیاست یکسان در مقابل توده‌های محروم جامعه  
برای سرکوب آن‌ها ظاهر می‌شود.

دبیر کمیته کردستان : صالح سرداری

saleh.sardari@gmail.com

روابط عمومی کمیته کردستان: ابوبکر

شریف زاده

Abo\_sh2008@hotmail.com

اکتبر نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری  
ایران- حکمتیست است که هر ماه یک بار منتشر  
می‌شود!

سردبیر نشریه همایون گدازگر

homayon\_1954@yahoo.de

کارگران و مردم محروم جامعه در ایران در طی بیش از  
۴ دهه از حیات ننگین جمهوری اسلامی با انواع سرکوب  
از طرف این حکومت روبرو بوده‌اند. از شلاق زدن  
کارگران تا کشتار معترضین به وضع موجود از قتل عام  
بعد از شیوع کرونا، از سرکوب زنان تا پدیده فجیع  
کودکان کار و خیابان و گورخوابی که لابد آن هم  
انتخابی بوده. امروز اما با وجود همه مصایب و دردهای  
بی‌شماری که این حکومت به جامعه و مردم محروم  
تحمیل کرده‌اند، شاهد عروج جنبشی هستیم که قصد دارد  
نه تنها دهان شمس‌احسان و همپالکی‌هایش را ببندد بلکه  
عزم کرده که کل این سیستم سرکوبگر و بانی فقر و  
فلاکت و بی‌خانمانی میلیونی در جامعه را از قدرت به  
زیر بکشد. این روند حتمن در طول پیمودن این مسیر